

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# عدالت خواهی در نظام ولایت

حجت الاسلام محسن قنبریان  
نشست حوزه مشکات

# فرم و محتوای جنبش عدالتخواهی در حکومت ولایت فقیه

در اندیشه آیت الله خامنه ای

❖ اول چند نکته در محتوا:

عدم تنزل از عدالت خواهی هیات‌های  
حقوقی



## نمونه ای از عدالت خواهی الهیاتی در کلام رهبر انقلاب پیش از انقلاب:

«اگر چنانچه قائل به توحید باشی در جامعه اختلاف طبقاتی و تبعیض معنی ندارد. آن جامعه ای که سری و تهی دارد، بالایی و پایینی دارد آن جامعه، "جامعه توحیدی" نیست». «در یک کلمه قیافه و اندام جامعه توحیدی، با قیافه و اندام جامعه غیرتوحیدی متفاوت است. این جور نیست که اگر در یک جامعه توحیدی یک قانونی اجرا می شود، آن قانون یا ده تا مثل آن قانون در یک جامعه غیر توحیدی اجرا شد، آن هم توحیدی است؛ نه. قواره جامعه توحیدی، شکل قرار گرفتن اجزای یک جامعه، اندام عمومی اجتماعی که بر اساس توحید و یکتاپرستی و یکتا گرایی است، با غیر این چنین جامعه ای به کلی متفاوت است. در یک کلمه آنچه امروز به آن می گویند: نظام اجتماعی. نظم اجتماعی و سیستم اجتماعی و شکل اجتماعی جامعه توحیدی یک چیزی است به کلی مغایر و مابین و احياناً متعارض و متضاد با جامعه غیر توحیدی». .

این ادبیات الهیاتی، "قانون" را هم می گرفت: «بنابر اصل توحید، انسانها حق ندارند هیچ کس و هیچ چیز جز خدا را عبودیت و اطاعت کنند». «از جمله چیزهایی که اگر پیروی اش کردی عبادت آن را کردی، "قانون" است... پس به کدام قانون عمل کنیم؟ آیا به قانون عمل نکنیم؟ از نظمی و نظامی پیروی نکنیم؟ چرا. لکن سعی کن این همه، خدایی باشد تا تو در حال اطاعت، در حال تبعیت، بنده خدا و مشغول عبادت خدا باشی». .

حتی "تفسیر از دین" را هم با همان الهیات، مورد ارزیابی قرار می داد: «اگر دینی دیدی که در جهت عکس فلسفه ادیان [اقامه قسط] حرکت می کند، بدان یا الهی نیست یا خرابش کردند» (برگزیده از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن/آیت الله خامنه ای)

# آسیب: رگه های مرجئه گری!

بازتولید ارجاء در مناسبات «فرد-ولایت» به «نظام-ولایت»!

(تقریر این بازتولید را در فایل صوتی بشنوید)

## در حالیکه روایات مورد استناد اعمال فردی رعایای حکومت حق را منظور دارد نه اعمال حکمرانان و حکومت:

«لأَعْذِبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ اطَاعَتِ أَمَامَا جَائِرًا لَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ ان كَانَتِ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً» مضمون حدیث این است: اگر سررشته‌ی نظام یک جامعه به دست انسانهای فاسد و ناباب و ستمگر و منحرف باشد، حرکات مؤمنانه‌ی **افراد**ی که در این جامعه هستند، به جایی نمیرسد؛ و اگر در آنچنان جامعه‌ای کسانی تسلیم باشند و از آن ستمگران اطاعت کنند، خدا آنها را هم عذاب میکند.

البته در همین حدیث، عکسش هم هست: «و لأَعْفُونَ عَنِ كُلِّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ اطَاعَتِ أَمَامًا هَادِيًا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ ان كَانَتِ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً»؛... خلاصه‌ی مطلب و جان مطلب این است که اگر چنانچه در یک نظامی، در یک مجموعه‌ای، در یک کشوری، در یک جامعه‌ای، حاکمیت و نظام، نظام الهی است، نظام عادلانه است، **آن کسانی که** اطاعت از این نظام میکنند، مورد عفو الهی هستند؛ ولو خطاهائی هم داشته باشند.

( رهبر انقلاب ۱۳۰۳/۰۲/۹۱ )



« ملاک این است که جامعه تحت حکومت امام عادل باشد، امام عادل‌ی که ((من الله)) باشد، یعنی حکومت، حکومت الهی باشد. گوشه و کنار اگر چنانچه کج رفتاری ای بود، خدای متعال درستش می‌کند، اصلاحش می‌کند، تکفیرش می‌کند، کفاره می‌دهد؛ ((لیکفرن)) . تکفیر کردن یعنی این زخم را، این شکاف را به جوش آوردن و گوشت تازه دادن؛ می‌پوشاند، صاف می‌کند.»

(رهبر انقلاب ۳/۱/۶۶)

« حاصل، این‌که اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای **متن جامعه**، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به‌وجود نخواهد آورد. اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن **صلاح بدنه‌ی مردم**، نمیتواند این جامعه را به سر منزل مطلوب هدایت کند. یعنی تأثیر رأس قله و هرم و مجموعه‌ی مدیریت و دستگاه اداره کننده در یک جامعه، این‌قدر فوق‌العاده است.»

(رهبر انقلاب ۶۹/۴/۲۰)

« **کار فردی و تخلف فردی** در یک نظام عظیم اجتماعی که حرکت عمومی به یک سمت درستی است، قابل اغماض است؛ یا شاید به تعبیر دقیق‌تر، قابل اصلاح است؛ بالاخره میتواند این جامعه را، **این افراد** را به سرمنزل مقصود برساند؛ برخلاف اینکه اگر چنانچه نه، اعمال فردی درست بود، اما روابط اجتماعی، نظامات اجتماعی، نظامات غلطی بود، نظامات جائری بود، نظامات از ناحیهی خدا نبود، از ناحیهی شیطان بود، از ناحیهی نفس بود، **اعمال فردی** نمیتواند این جامعه را بالاخره به سرمنزل مقصود برساند؛ آن چیزی که مطلوب شرایع الهی است از سعادت انسان، آن را نمیتواند برایشان به وجود بیاورد.»

(رهبرانقلاب ۱۲/۶/۸۸)

برعکس گناه منسوبان و منصوبان حکومت  
اسلامی مضاعف است:

"این [آیه ۳۱ احزاب] خطاب به زنه‌های پیغمبر است ؛ اما زنه‌های پیغمبر  
خصوصیتی ندارند . خصوصیت زنه‌های پیغمبر، انتساب به پیغمبر است.  
من و شما هر کدام انتساب بیشتر و موقعیت خطیر و ممتازی در جامعه داشته  
باشیم، همین خصوصیت در ما هم هست... با دیگر مردم، فرق داریم و من  
از شما بیشتر. اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردم عادی  
نیست؛ سنگین تر و سخت تر است".

(رهبر انقلاب ۵/۵/۸۴)

« در جمع مسئولان قضائی با استناد به آیه ۱۳۱ احزاب گفتند: "هر کدام از شما [زنان پیامبر] کار خلافی بکند، عذابتان دوبرابر است. یعنی همان کاری را که یک زن اگر بکند، پیش خدای متعال صدچوب خوردن دارد، اگر شما انجام دهید، دویست چوب به شما می زنند؛ چرا؟ چون زن پیغمبرید". (رهبر انقلاب ۹۷/۵/۴)

—در نوبتی دیگر با مسئولان قضائی گفتند: "کسی که در قوه قضائیه خیانت می کند وسلامت قوه را بهم می زند؛ این "يُضَاعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ" باید دوبرابر مجازات شود". (رهبر انقلاب ۹۴/۴/۷)

# عدم تنزل از عدالت خواهی به مطالبه‌گری!

شهید مطهری: "عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات نه این است که آنچه دین گفت عدل است بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید. این معنا **مقیاس بودن عدالت است برای دین**. پس باید بحث کرد که آیا دین مقیاس عدالت است یا عدالت مقیاس دین؟ مقدسی اقتضاء می‌کند که بگوییم دین مقیاس عدالت است اما حقیقت این طور نیست..."  
(مبانی اقتصاد اسلامی ص ۱۴ و ۱۵)

# آسیب: رگه های اشعری گری در مطالبه گری!

عدالتِ عقیب امر نه ناظر بر امر!

در حالیکه عدالت باید سنجه همه قوانین شود: "عدالت را **یک معیار و یک سنجه اساسی در قانونگذاری** بدانیم این نکته قابل توجه نمایندگان محترم مجلس و شورای نگهبان است که در قانون گذاری بالخصوص به مساله عدالت و همچنین **رصد دائمی** آن توجه شود"  
(رهبر انقلاب/دومین نشست اندیشه های راهبردی ۹۰/۲/۲۷)



**اشکال:** میدان بهشتی و مطهری ندارد؛ خطر کج  
روی و خروج بر ولی عادل!

**چاره:** باید زمینه ورود مثل بهشتی و مطهری را  
فراهم کرد . خسارت اشعری گری بیشتر است!